

کارنامه غیرنفتی دولتی ملی

دکتر هوشنگ طالع

بخش یکم

اقتصاد بدون درآمد نفت

دولت بریتانیا برای جلوگیری از ملی شدن صنعت نفت ایران، همه‌ی توان راهبردی خود را در زمینه‌ی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به کار گرفت؛ اما موفق به این کار نشد. درست است که تحریم نفت ایران برای کشور زیان‌بار بود؛ اما با تدبیرهای اندیشه‌شده و به کار گرفته شده از سوی دولت ملی، ایران می‌توانست سال‌ها به این مبارزه ادامه دهد. از این‌رو باید کلید دست یازیدن به کودتا از سوی امپریالیسم آمریکا - استعمار بریتانیا را در همین امر جست‌وجو کرد.

دولت ملی پس از گذشت مدت‌زمان کوتاهی به نیکی دریافت که راه‌حل کوتاه‌مدت برای مسأله‌ی فشارهای اقتصادی غرب در قالب تحریم خرید نفت از ایران وجود ندارد، راهبرد اداره‌ی کشور بدون درآمدهای نفتی (اقتصاد بدون نفت) و یا به گفته‌ی بهتر «اقتصاد بدون درآمد نفت» را در پیش گرفت.

دکتر مصدق روز هشتم تیرماه ۱۳۳۱ اعلام کرد:^۱

حاکمیت ایران را وجه‌المصلحه‌ی عایدات نفت نخواهد کرد.

دولت ملی بر این باور بود که اداره‌ی کشور بدون درآمد نفت، سرانجام دولت بریتانیا را بر سر عقل خواهد آورد و با راه‌حلی که منطبق با قانون ملی شدن صنایع نفت باشد، موافقت خواهد کرد. کودتای ۲۸ مرداد، درستی این نظریه را تایید کرد. امپریالیسم آمریکا - استعمار بریتانیا پس از آن که دانستند حتی با تحریم نفت ایران نخواهند توانست ایران را به زانو درآورند، دست به کودتا زدند. در این راستا:^۲

مدارک نشان می‌دهند که تدابیر دولت در تطبیق با تکان ناگهانی قطع درآمد نفت، هم موثر و هم مسئولانه بوده است... کاهش عملی ارزش ریال، تجدیدنظر در سیستم سهمیه‌بندی، تدابیر گوناگون برای تشویق صادرات غیرنفتی، افزایش عوارض و حقوق گمرکی، دولت را قادر ساخت که ابتدا کسری موازنه‌ی پرداخت‌ها را متوقف و سپس جبران کند و ذخیره‌ی ارزی مناسبی برای کشور تامین نماید.

در آن اوضاع و احوال و به‌ویژه با در نظر گرفتن این واقعیت که بخش عمده‌ای از طلا و ارز... قانونا پشتوانه ی اسکناس

بود، سیاست تجارت خارجی [دکتر] مصدق با موفقیت توأم بود و می‌توانست تا مدت زیادی دوام بیاورد.

در روزهای پایانی سال ۱۳۳۰ دولت ملی برای پایداری برابر ستیزه‌جویی‌های انگلستان که از حمایت پنهان و آشکار آمریکا نیز برخوردار بود، دست‌اندرکار اداره‌ی کشور بدون درآمدهای نفتی شد. برای این منظور شورای عالی اقتصاد تشکیل گردید تا بتواند در این زمینه مطالعات لازم و برنامه‌های ضروری را تهیه کند. روز بیست و سوم فروردین‌ماه ۱۳۳۱، نخست‌وزیر در سخنانی خطاب به گروهی از نمایندگان دوره‌ی هفدهم، گفت:^۳

حل مشکل نفت فقط با صبر و تحمل امکان خواهد داشت و تا آن نتیجه حاصل نشده دولت در نظر دارد برنامه‌ی اقتصاد

بدون نفت اجرا کند و اقداماتی برای اصلاح اقتصاد کشور براساس اصول زیر به عمل آورد:

[۱] تجدیدنظر در اقدام بودجه برای تعدیل و توازن آن.

[۲] تجدیدنظر در قوانین مالیاتی برای ازدیاد درآمد.

[۳] دادن اعتبار کافی برای کارهای تولیدی.

[۴] تجدیدنظر در سازمان‌های اداری به منظور تقلیل هزینه.

[۵] الغای مقرراتی که مزاحم فعالیت‌های اقتصادی افراد باشد.

[۶] تنظیم برنامه برای استفاده از قسمتی از افراد و وسایل شرکت نفت، برای امور

تولیدی.

دکتر مصدق، در راستای بهره‌گیری از نظرات کارشناسان خارجی، از دکتر شاخت (Horace Greely Hjalmar Schacht)

اقتصاددان نام‌آور و سرشناس آلمانی دعوت کرد که برای مشاوره در امور اقتصادی، به ایران سفر کند. دکتر شاخت روز ۱۹ شهریورماه ۱۳۳۱ به تهران آمد و روز ۲۳ همان ماه، تهران را ترک گفت. در آن زمان و مدت‌ها پس از آن، پشتوانه‌ی اسکناس برای کشورها دارای اهمیت حیاتی بود و حتا اسکناس دلار، قابل تبدیل به «زر» بود.

دکتر شاخت در تهران به دکتر مصدق گفته بود که نشر اسکناس بدون پشتوانه، مابینتی با اصول اقتصاد ندارد، زیرا پشتوانه‌ی

حقیقی عبارت است از «کار». در حقیقت دکتر شاخت «تورم مهار شده» را برای به راه انداختن چرخ‌های اقتصاد و ایجاد امکان بیش‌تر سرمایه‌گذاری در زمینه‌های گوناگون توصیه کرد.^۴

هم‌چنین دولت در آبان‌ماه همان سال، از یک گروه مشاوران مالی سازمان ملل متحد به ریاست «کمیل گات» دعوت به عمل

آورد که پس از سفر به ایران و مطالعه‌ی اوضاع اقتصادی و مالی کشور، نظرات مشورتی خود را اعلام کنند. کمیل گات که

ریاست این هیات را به عهده داشت از وزیران پیشین دارایی بلژیک بود. هیات پس از بررسی‌های لازم، به دولت ایران پیشنهاد کرد:^۵

۱- باید مالیات‌ها افزایش یابند، یا به سخن بهتر وضع وصول مالیات‌ها بهتر شوند.

۲- صرفه‌جویی حداکثر در زمینه‌ی ذخیره‌های ارزی کشور.

۳- دریافت یک وام خارجی به میزان ۳۶ میلیون دلار

از آن‌جا که منبع اصلی دریافت وام دولت آمریکا بود و دولت مزبور نیز تمایلی به دادن وام به ایران نداشت، دولت ملی خود را آماده‌ی اجرای برنامه‌های اقتصادی بدون درآمدهای نفتی کرد.

سیاست «تورم مهارشده» به خوبی پاسخ داد و دولت توانست کشور را بدون سختی‌های ویژه، بدون درآمد نفت اداره کند. برخلاف پول‌های هنگفتی که شرکت سابق نفت و دولت بریتانیا برای ایجاد غوغای تبلیغاتی رسانه‌ای در سطح جهان درباره‌ی اوضاع بد اقتصادی ایران به ویژه تورم و گرانی می‌پراکندند، برپایه‌ی آمار رسمی منتشره از سوی صندوق بین‌المللی پول:^۶

میزان افزایش هزینه‌ی زندگی [تورم] طی سه سال ۱۹۵۴-۱۹۵۱ [۱۳۳۳-۱۳۳۰] در ایران، تنها ۶/۳ درصد بوده است.

باید دانست که این تبلیغات، از سوی بوق‌های تبلیغاتی چاکران داخلی جناح توده - نفتی نیز بازتاب داده می‌شد و بزرگ‌نمایی می‌گردید.

البته باید توجه داشت که کشور در سال‌های اشغال از سوی نیروهای انگلیس، روس و آمریکا در دوران جنگ جهانی دوم، در کنار مشکل‌های بسیار ایجاد شده بر اثر اشغال، شاهد تورم بسیار بالا بود که زندگی را بر ایرانیان بسیار سخت کرده بود. نیروهای اشغال‌گر برای هزینه‌های روزمره، نیاز به ریال داشتند که تبدیل ارز از سوی آنان به ریال، باعث افزایش بی‌رویه‌ی حجم اسکناس در گردش و در نتیجه تورم شدید گردید که در تاریخ ایران بی‌سابقه بود. دولت ایران حاضر به پذیرش « روبل » از نیروهای اشغال‌گر شوروی نشد و در نتیجه، روسیان در برابر دریافت « ریال » سند بدهکاری به « زر » یا دلار به دولت ایران دادند که بالغ بر یازده تن طلا و بیش از ۵۰ میلیون دلار بود.

در اثر ستیزه‌جویی‌های دولت بریتانیا برای ملی‌شدن صنایع نفت ایران، درآمدهای نفتی ایران از ۱۶ میلیون لیره در سال ۱۹۵۰ به ۸/۳ میلیون لیره در سال ۱۹۵۱ کاهش یافت و در سال ۱۹۵۲، کمابیش به هیچ رسید.

در راستای سیاست صرفه‌جویی هرچه بیش در ذخیره‌های ارزی، دولت ملی با کشورهای اروپای غربی و شرقی مانند آلمان غربی، ایتالیا، فرانسه، لهستان، مجارستان و چکوسلواکی، قراردادهای پایاپای بست. هم‌چنین دولت برای ایجاد موازنه‌ی ارزی در نبود درآمدهای نفتی، مقررات ویژه‌ای درباره‌ی سهمیه‌بندی واردات و افزایش عوارض گمرکی کالاهای وارداتی، به مورد اجرا

گذارد. از سوی دیگر، با وضع مقررات تشویقی برای صادرات به صادرکنندگان اجازه داده شد که ارز صادراتی را به نرخ بیش تر از نرخ رسمی (۳۲ ریال و ۲۵ دینار) به واردکنندگان بفروشند.

با پیشنهاد کمیسیون تثبیت نرخ ارز و موافقت هیات دولت، روز پنجم اردیبهشت ماه ۱۳۳۲، قرار شد که بانک ملی ارزهای غیرصادراتی را به جای نرخ رسمی، به نرخ نزدیک به گواهی نامه خریداری کند تا بدین سان دارندگان ارزهای قاچاق، ارزهای خود را به بانک بفروشند.^۷

همچنین به شرکت سهامی بیمه ایران اجازه داده شد تا با عقد قراردادهای اتکایی برپایه‌ی معامله‌ی متقابل، از خروج ارز به صورت حق بیمه، تا حد زیادی جلوگیری کند.^۸

بدین سان، صادرکنندگان با واریز ارز به بانک ملی، گواهی نامه‌های صادراتی را با بهای بیش تری به واردکنندگان کالا می فروختند:^۹

اتخاذ این سیاست‌ها، افزایش میزان صادرات و تا حدی جانشینی کالاهای داخلی به جای اجناس وارداتی بود. در واقع دوران مصدق به دوران «شکفتگی صنعتی» تعبیر شد. موازنه‌ی پرداخت‌ها برای سال‌های ۱۹۵۳-۱۹۴۹ نشان دهنده‌ی نتایج سیاست‌های اقتصادی دولت است.

در این راستا، باید گفته شود که در این دوره (۱۳۳۲-۱۳۲۹) بر شمار کارگاه‌های صنعتی کشور به گونه‌ی چشم گیری افزوده شد.

جدول زیر شمار کارگاه‌های صنعتی کشور را بر پایه‌ی اندازه‌ی کارگاه برای سال‌های ۱۳۳۲-۱۳۲۹ نشان می دهد:^{۱۰}

سال	کارگاه‌های بزرگ	کارگاه‌های کوچک	جمع کارگاه ها
۱۳۲۹	۴۷۱	۱۴۰۶۵	۱۴۵۳۶
۱۳۳۰	۵۴۵	۱۵۹۰۵	۱۶۴۵۰
۱۳۳۱	۵۷۱	۱۶۷۵۴	۱۷۳۲۵
۱۳۳۲	۶۳۸	۱۸۹۳۴	۱۹۵۷۲

بدین سان می‌بینیم که با وجود تحریم خرید نفت، شمار کارگاه صنعتی بزرگ در این دوره افزایش چشم‌گیری داشته و از ۴۷۱ کارگاه در سال ۱۳۲۹ به ۶۳۸ کارگاه در سال ۱۳۳۲ رسیده است. از سوی دیگر، رشد کارگاه‌های کوچک صنعتی بسیار قابل توجه است، به گونه‌ای که در این دوره از ۱۴۰۶۵ کارگاه در سال ۱۳۲۹ به ۱۸۹۳۴ کارگاه در سال ۱۳۳۲ افزایش یافته است. درخواست برای پروانه‌ی اکتشاف کانسارها و صدور پروانه‌ی اکتشاف نیز از رشد چشم‌گیری میان سال‌های ۱۳۲۹-۱۳۳۲ برخوردار بوده است. جدول زیر درخواست پروانه‌ی اکتشاف و صدور پروانه را در سال‌های ۱۳۳۳-۱۳۲۹ نشان می‌دهد:^{۱۱}

سال	درخواست پروانه‌ی اکتشاف	صدور پروانه‌ی اکتشاف
۱۳۲۹	۶۳	—
۱۳۳۰	۴۳۲	۱۵۵
۱۳۳۱	۱۲۱۷	۴۶۵
۱۳۳۲	۱۶۱۶	۱۱۸۶

(- آمار موجود نمی‌باشد)

در زمینه‌ی صادرات با توجه به امضای قراردادهای پایاپای با کشورهای اروپای غربی و شرقی و نیز افزایش عوارض گمرکی کالاهای وارداتی و نیز تعلیق واردات به صادرات، به شدت بر حجم صادرات کشور افزوده گردید و از حجم واردات کاشته شد. در جدول زیر، آمار صادرات و واردات کشور از سال ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۲ نشان داده شده‌اند:^{۱۲}

(میلیون ریال)

سال	واردات	صادرات	موازنه
۱۳۲۹	۷۱۰۸	۳۵۶۲	-۳۵۴۶
۱۳۳۰	۷۴۰۴	۴۳۹۰	-۸۱۶
۱۳۳۱	۵۲۰۶	۵۸۴۱	+۶۲۵
۱۳۳۲	۵۷۵۶	۸۴۲۵	+۲۶۶۹

با توجه به جدول بالا، صادرات ایران میان سال‌های ۱۳۳۲-۱۳۲۹ از رشدی برابر با ۲۳۶/۵ درصد برخوردار بود و در برابر از حجم واردات کاشته شده بود. در نتیجه کسری ۳۵۴۶ میلیون ریالی در سال ۱۳۲۹ کمابیش به ۲۶۶۹ میلیون ریال افزونی صادرات بر واردات انجامید. جدول زیر آمار صادرات کشور را برپایه‌ی کالاهای عمده‌ی صادراتی در سال‌های ۱۳۲۹-۱۳۳۲ نشان می‌دهد:^{۱۴}

(میلیون ریال)

نوع کالا	۱۳۲۹	۱۳۳۰	۱۳۳۱	۱۳۳۲
خشکبار	۴۵۰	۷۱۴	۱۳۳۰	۱۰۹۹
پنبه	۸۶۹	—	۹۴۳	۱۰۵۲
پشم و کرک	۱۶۵	۴۴۳	—	۶۶۹
فرش	۶۳۵	—	۹۴۱	۱۳۳۹

(- ارقام موجود نیست)

تشویق صادرات، باعث شکستگی بخش کشاورزی و افزایش فرآورده‌های کشاورزی گردید. جدول زیر تولیدات کشاورزی کشور در سال‌های ۱۳۲۹-۱۳۳۲ نشان می‌دهد:^{۱۵}

ارقام به هزار تن

نوع فرآورده	۱۳۲۹	۱۳۳۱	۱۳۳۲
گندم	۲۲۸۷	۲۷۷۱	۲۸۰۰
جو	۹۲۹	۱۱۰۶	—
برنج	۵۸۴	—	۶۵۸
پنبه	۱۰۲	۱۱۹	۱۸۰
چغندر قند	۳۹۴	۳۹۶	۵۵۷

(- آمار موجود نیست)

سهم درآمدهای نفتی در بودجه‌ی کل کشور که در سال‌های پیش از ملی‌شدن صنعت نفت، بسیار چشم‌گیر بود، در سال‌های بعد از ملی‌شدن صنایع نفت، به سوی صفر میل کرد. با این وجود، بر اثر در پیش گرفتن تمهیدات لازم، در این دوره:^{۱۶}

کسری کل پرداخت‌ها از ۱۰۶۹ به ۶۵۷ میلیون ریال کاهش یافته است. برای جبران بخشی از این کسری موازنه‌ی پرداخت‌ها، دولت مصدق دو بار و جمعا مبلغ ۸/۸ میلیون دلار از صندوق بین‌المللی پول [از سهم ایران] برداشت کرد.

افزون بر بریده شدن درآمدهای نفتی، دولت مبلغ دو میلیارد ریال نیز سالانه برای هزینه‌های صنعت نفت که بخش بزرگ آن مربوط به پرداخت‌های دستمزد کارگران و حقوق کارمندان بود، پرداخت کرد.

دولت ملی از دو راه توانست بر این مسایل پیروز شود، نخست از راه کاهش هزینه‌ها و دوم از راه افزایش درآمدهای دولت. در زمینه‌ی کاهش هزینه‌ها، دولت ملی به گونه‌ی چشم‌گیر از هزینه‌های دربار کاست. هزینه‌های ارتش را نیز کاهش داد و یارانه‌های دولتی را حذف کرد. البته بخشی از صرفه‌جویی‌ها در هزینه‌های دولتی به آموزش و پرورش و بهداشت تخصیص داده شد. برای افزایش درآمدها، دولت عوارض واردات و نیز مالیات‌های غیرمستقیم را بیش‌تر کرد. کسری بودجه‌ی کل کشور در درازای ۲۷ ماه زمام‌داری دولت ملی، کمابیش ۴ میلیارد ریال بود. این کسری:^{۱۷}

از طریق ۵۰۰ میلیون ریال اوراق قرضه‌ی ملی و همچنین گرفتن وامی به مبلغ ۳/۶ میلیارد ریال از بانک ملی ایران تامین گردید.

دولت بریتانیا که تحریم خرید نفت ایران را کافی برای از پای‌درآوردن دولت ملی نمی‌دانست، دست به مشکل‌آفرینی تازه ای زد. در این راستا دولت بریتانیا به بانک مرکزی این کشور (Bank of England) دستور داد قابلیت تبدیل موجودی لیره‌ی استرلینگ ایران را به دیگر ارزها، غیرممکن سازد. از سوی دیگر با وجود همه‌ی این مشکل‌آفرینی‌ها:^{۱۸}

دولت بریتانیا برای این‌که مطمئن شود ایران کماکان از لحاظ تهیه‌ی ارز در مضیقه خواهد ماند، به طور مداوم جلوی اعطای هرگونه کمک مالی از طرف آمریکا را می‌گرفت.

اما سختی‌آفرینی‌های دولت انگلستان در این زمینه نیز ناکام بود، به گونه‌ای که:^{۱۹}

در آغاز سال ۱۳۳۲ ذخیره‌ی ارزی جدا از ذخیره‌های مسدود شده برای پشتوانه‌ی اسکانس، به ۱/۱ میلیارد ریال بالغ می‌شد.

از سوی دیگر بر اثر اتخاذ تصمیم‌های درست اقتصادی، تلاش‌های بریتانیا نتوانست به بخش‌های اصلی اقتصاد کشور و نیازهای اصلی مردم، زیان برساند. برای مثال بخش ترابری کشور توانست به خوبی برابر تحریم‌های نفتی و ارزی پایداری کند.

در این راستا، بنگاه راه‌آهن دولتی ایران با بازسازی خط‌ها، واگن‌ها و لکوموتیوها و بهینه‌سازی مدیریت، بار جابه‌جا شده از سوی این بنگاه را از ۷۶۱ میلیون تن - کیلومتر در سال ۱۳۲۹ به ۱۰۲۲ میلیون تن - کیلومتر در سال ۱۳۳۲ افزایش یافت.^{۲۰} از سوی دیگر در همین فاصله زمانی (۱۳۲۹-۱۳۳۲) درآمد ناویژه بنگاه راه‌آهن دولتی ایران از ۹۷۲ به ۱۲۷۷ میلیون ریال رسید.^{۲۱} در همین دوران شمار خودروهای سواری و باری کشور نیز افزایش چشم‌گیری داشت. شمار سواری‌های کشور از ۱۹۶۰۰ دستگاه در سال ۱۳۲۹ به ۲۵۳۰۰ دستگاه در سال ۱۳۳۲ رسید و شمار بارکش (کامیون)ها نیز در همین مدت از ۱۵۳۰۰ به ۱۶۵۰۰ دستگاه افزایش یافت.^{۲۳}

باید در نظر داشت که در این دوران، با وجود تنگنای اقتصادی و مالی، اجرای برنامه‌ی عمرانی متوقف نشد؛ گرچه از شتاب اجرای آن کاسته شد. لوله‌کشی آب تهران نیز که در دوران دولت ملی آغاز شده بود، ادامه پیدا کرد. در این دوران دولت ملی، بانک ملی ایران نقش بسیار موثری را بازی کرد؛ به گونه‌ای که این بانک افزون بر:^{۲۲}

کمک به فعالیت‌های اقتصادی دولت، مخصوصاً در زمینه‌ی تسهیلات مالی جهت شرکت ملی نفت ایران، کوشش‌های فوق

العاده به راهنمایی دولت در راه کمک به صنایع و بازرگانی داخلی و صادرات و عمران و آبادی و کشاورزی به عمل آورد.

باید گفت که سیاست اقتصادی به کار گرفته شده در دوران دولت ملی، به افزایش درآمدهای غیرنفتی و همچنین کاهش

هزینه‌های جاری انجامید:^{۲۳}

سیاست افزایش درآمدها، شامل فروش مقدار معینی ارز خارجی و اصلاح مالیات‌ها و تعرفه‌های گمرکی، افزایش بهای

کالاهای ساخت کارخانه‌های دولتی و وام گرفتن از مردم و اخذ اعتبار از بانک‌های داخلی بود. سیاست کاهش هزینه‌ها، متوجه

لغو کمک مالی [یارانه] دولت به کالاهای مصرفی و قطع پاره‌ای از هزینه‌های عمرانی بود. بنابراین برخلاف تصور عموم، دولت

یک برنامه‌ی صرفه‌جویی اقتصادی شدید را اجرا می‌کرد که بدون رضایت توده‌ی مردم در چنان شرایطی دشوار می‌نمود. با

وجود این، نرخ تورم چندان زیاد نبود و دلیلی در دست نیست که سطح زندگی عمومی، تنزل یافته باشد.

بخش دوم

تلاش برای شکستن تحریم‌ها

از آغاز تحریم خرید نفت ایران، دولت ملی گام‌های ارزنده‌ای برای درهم شکستن تحریم‌ها به کار گرفت که به دلیل قدرت بسیار دولت بریتانیا و کارتل نفت، تنها یک بار توانست:^{۲۴}

در این تحریم‌ها رخنه ایجاد کند و «کارتل» را مشوش نماید.

دولت ایران برای فروش نفت، تخفیف‌های چشم‌گیری قایل شده بود و همین امر باعث شد که پیشنهادهای زیادی از سوی خریداران نفت به شرکت ملی ایران بشود؛ اما در سال ۱۳۳۰ ایران نتوانست نفت به خارج بفروشد. پاره‌ای از پیشنهاددهندگان دولت‌ها بوند:^{۲۵}

از جمله افغانستان... قصد داشت حدود سالی ۴۰ هزار تن مواد نفتی خریداری کند. همچنین مذاکراتی برای خرید ۸۰ هزار تن مواد نفتی از طرف مصر صورت گرفت.

در آغاز سال ۱۳۳۱، دولت هند خواستار خرید نفت شد و گفت‌وگوهای جدیدی به عمل آمد. همچنین دولت ترکیه نیز برای خرید نفت اظهار تمایل کرد؛ اما:^{۲۶}

در همه‌ی این موارد، مداخله دولت انگلستان و شرکت سابق [نفت] مانع انجام معامله گردید.

در این میان، پیشنهادهای خرید نیز از سوی کشورهای اروپای شرقی به دولت ایران رسید که به دلیل دودلی دولت ایران، به نتیجه نرسید. دولت ایران با فروش نفت به بلوک شرق، نمی‌خواست که روابط با غرب یا به سخن بهتر با آمریکا را به کلی تیره کند. زیرا هنوز روی یاری آمریکا در مبارزه علیه انگلیس، حساب می‌کرد.

در بهمن‌ماه ۱۳۳۰ شرکت نفت ایتالیا و خاورمیانه (EPIM) پیشنهاد کرد که حاضر است ۴۰۰ هزار تن نفت خام در سال ۱۹۵۲ و پس از آن سالی ۲ میلیون تن به مدت ۱۰ سال به بهای تنی ۸ دلار و به صورت پایاپای در برابر تحویل قند، پارچه و تراورس، خریداری کند.

در نخستین روزهای سال ۱۳۳۱، نخست‌وزیر دستور داد که کار گروه ویژه‌ای در شرکت ملی نفت برای پی‌گیری پیشنهادهای خرید و اجرایی کردن آن‌ها، تشکیل گردد. فروش نفت به شرکت (EPIM) مورد تأیید دولت ایران قرار گرفت و سرانجام کشتی

رزماری، روز ۷ خردادماه پس از بارگیری بیش از ۶۰۰ تن نفت خام، بندر معشور را به سوی کشور ایتالیا ترک کرد. کشتی رزماری که زیر پرچم کشور هندوراس قرار داشت، مسیر کانال سوئز را ترک کرد و در بندر عدن که مستعمره‌ی بریتانیا بود، لنگر انداخت. در بندر عدن، کشتی و بار آن به درخواست شرکت سابق از سوی دادگاه توقیف شدند. در آغاز سوءظن‌های نسبت به شرکت (EPIM) به وجود آمد؛ اما سپس آشکار شد که: ۲۷

علت انحراف کشتی به دستور مالک آن بوده که به ناخدا ابلاغ شده است و مالک... بر اثر تطمیع و تهدید از طرف شرکت سابق، قرارداد کرایه‌ی کشتی را به شرکت مزبور منتقل نموده بود. ضمناً ناخدا نیز که معمولاً بایستی به دستور کرایه‌کننده‌ی کشتی یعنی [مالک شرکت (EPIM)] عمل می‌کرد نه به دستور مالک، به علت تهدید از طرف نیروی هوایی انگلستان مجبور شده بود که کشتی را به عدن ببرد.

سرانجام دادگاه مستعمراتی عدن در روز بیستم دی‌ماه ۱۳۳۱، به نفع شرکت سابق رای داد و در نتیجه، بار کشتی به شرکت سابق تحویل گردید. به دنبال ناکامی شرکت (EPIM) یک شرکت دیگر ایتالیایی به نام سوپر (SUPER) با شرکت ملی نفت وارد گفت‌وگو برای خرید نفت و تحویل کالاهای موردنیاز ایران گردید. شرکت ملی نفت، گفت‌وگوهایی نیز با شرکت سوپر درباره پایه‌گذاری شرکتی در ایتالیا برای خرید و ساخت کشتی‌های نفت‌کش که نیمی از سهام آن متعلق به دولت ایران باشد، آغاز کرد. روز اول بهمن‌ماه ۱۳۳۱ نخستین کشتی این شرکت به نام «میریلا» (Mirilla) با بارگیری ۵۰۰۰ تن نفت خام، ایران را ترک گفت. شرکت سوپر با توجه به این که با رسیدن کشتی «میریلا» به یکی از بندرهای ایتالیا، شرکت سابق نفت به دادگاه مراجعه خواهد کرد. از شرکت ملی نفت ایران خواست که مدارک لازم برای دفاع را در اختیار این شرکت قرار دهد. در ۲۶ بهمن‌ماه کشتی مزبور وارد بندر ونیز شد و به درخواست شرکت سابق نفت از سوی دادگاه توقیف شد؛ اما روز ۲۰ اسفندماه، دادگاه رای به نفع ایران داد و کشتی و بار آن از توقیف بیرون آمد. شرکت سابق نفت در دادگاه‌های شهر رم استیناف داد که ره به جایی نبرد. با شنیدن این مژده، دکتر مصدق دستور داد که تا مدت شش ماه مواد نفتی با تخفیف ۵۰ درصد به این شرکت فروخته شود. به دنبال آن، کشتی میریلا دو بار و کشتی آلبا یک‌بار و همچنین کشتی سالسو (Salso) با نفت ایران، وارد بندرهای ایتالیا شدند. با این موقعیت شرکت سوپر دولت ایران روز سوم خردادماه ۱۳۳۲ موافقت کرد که صدور نفت به ایتالیا در برابر هر کالایی، حتا بیرون از دایره‌ی سهمیه، مجاز باشد.

افزون بر ایتالیایی‌ها، ژاپنی‌ها نیز دست به خرید نفت از ایران زدند. در بهمن‌ماه ۱۳۳۱ نمایندگان شرکت ژاپنی «ایدمیتسو» (Idemitsu) با سفر به ایران آمادگی خود را برای خرید شش میلیون بشکه (کمابیش ۹۰۰ هزار تن) نفت در برابر کالا یا «ین» اعلام کردند. شرکت ملی نفت ایران، تنها آماده‌ی معادله در برابر دلار بود.

سرانجام با توافق‌های به عمل آمده، روز ۲۱ فروردین ۱۳۳۲ نفت‌کش ژاپنی «نیشومارو» (Nissy Maru) در بندر آبادان پهلو گرفت و با بارگیری بیست هزار تن بنزین و گازوئیل، راهی ژاپن شد. شرکت سابق به شیوه‌ی گذشته به دادگاه توکیو شکایت برد. روز ۱۹ اردی‌بهشت‌ماه ۱۳۳۱، دادگاه تشکیل شد. دادگاه از وکیل مدافع شرکت سابق پرسید:^{۲۸}

آیا شما قانون ملی شدن صنعت نفت را معتبر می‌دانید؟

[وکیل خواهان]: بله

[دادگاه]: آیا معامله‌ی شرکت ایدمیتسو پیش از قانون ملی شدن انجام شده است یا پس از آن؟

[وکیل خواهان]: پس از آن

[دادگاه]: آیا به نظر شما عدم پرداخت غرامت، موجب بطلان قانون ملی شدن نفت می‌گردد؟

[وکیل خواهان]: [نتوانست پاسخ دهد]

[دادگاه]: آیا شما مدعی هستید که با وجود قانون ملی شدن نفت، عمل دولت ایران در انجام معامله با شرکت ایدمیتسو، غیرقانونی بوده است؟

[وکیل خواهان]: بله

[دادگاه]: این گفته‌ی شما منطقی نیست، چون گفتید که اعتبار قانون ملی شدن [صنعت نفت] را تصدیق می‌کنید.

[وکیل خواهان]: [نتوانست پاسخ دهد]

شرکت ژاپنی نیز مانند شرکت ایتالیایی از ایران درخواست یاری در زمینه‌ی مسایل حقوقی کرده بود. دولت ایران با گسیل مشاوران حقوقی که در تاریخ هژدهم اردی‌بهشت ماه وارد توکیو شدند، کمک‌ها و راهنمایی‌های لازم را در اختیار شرکت ژاپنی قرار داد.

دولت ایران، به منظور تشویق بیش‌تر خریداران نفت، روز هشتم اردی‌بهشت‌ماه ۱۳۳۲ اعلام کرد که خریدارانی که نفت ایران را به مقصد آمریکا و ژاپن حمل کنند، به مدت شش ماه از تخفیف ۵۰ درصد بهره‌مند خواهند شد.

با صدور رای دادگاه توکیو به سود شرکت ایدمیتسو، کشتی نیشومارو برای بار دوم عازم ایران شد و روز ۱۷ خرداد ماه ۱۳۳۲ پس از لنگر انداختن در بندر آبادان، برای بار دوم بارگیری کرد. این کشتی با وجود فشارهای بسیار زیاد حکومت انگلیس به دولت ژاپن، یک بار دیگر به ایران سفر کرد و در بندر آبادان بارگیری کرد. جدول زیر فروش نفت‌خام و مواد نفتی به شرکت‌های ایتالیایی و ژاپنی را در دوران دولت ملی نشان می‌دهد:^{۲۹}

نام کشتی	تعداد سفر	میزان بارگیری (تن)
روزماری	۱	۶۰۰
میریلا	۳	۱۵۰۰۰
آلبا	۲	۲۲۰۰۰
سالسو	۱	۱۲۰۰۰
نیشومارو	۳	۵۴۰۰۰
کویی مارو	۱	۱۰۰۰۰
پاکس	۱	۵۰۰۰
جمع	۱۲	۱۱۸۶۰۰

ماخذ: (منابع گوناگون)

در دوران دولت ملی، افراد و شرکت‌های گوناگون آمریکایی برای خرید نفت به شرکت ملی نفت ایران مراجعه کردند؛ اما هیچ کاری انجام نگرفت، زیرا:^{۳۰}

دولت آمریکا با انگلیسی‌ها هم‌کاری کامل نمود، برای این که از صدور نفت ایران جلوگیری شود. وزارت امور خارجه‌ی آمریکا گذشته از این که توجهی به درخواست؛ بلکه التماس سفیر کبیر آمریکا [در تهران] دایر بر این که آمریکا، انگلیسی‌ها را از ادامه‌ی مخصصه‌ی نفت ایران منصرف کند نمود؛ به طوری که گفته شده است دست‌کم در طول یک سال و نیم بعد از ملی شدن صنعت نفت در ایران، خریداران احتمالی نفت ایران را که بعضی شرکت‌های آمریکایی میان آن‌ها بودند، از معامله با شرکت ملی نفت ایران منصرف کرد.

برای نمونه، به دعوت نخست‌وزیر، آلتون جونز (Alton Jones) رییس شرکت نفتی سیتیز سرویس (Cities Service) به ایران آمد. البته او پیش از آمدن به ایران با مقام‌های بلندپایه‌ی آمریکایی و از جمله رییس‌جمهور آن کشور، دیدار کرده بود. وی در روزهای نخستین شهریورماه ۱۳۳۱ به ایران آمد و از تاسیسات نفت ایران بازدید کرد. وی روز ۱۷ شهریورماه هنگام ترک ایران، یک گفت‌وگوی مطبوعاتی به عمل آورد. وی در این مصاحبه‌ی مطبوعاتی گفت که این شرکت گزارشی برای بازسازی صنایع نفت ایران تنظیم کرده است و به زودی به دولت ایران تسلیم خواهد کرد. وی در این مصاحبه مطبوعاتی عنوان کرد:^{۳۱}

باهزینه‌ی مبلغی کمابیش ۱۰ میلیون دلار، استخراج و پالایش نفت ایران را می‌توان به میزان پیش از ملی شدن رسانید....

وی افزوده بود:^{۳۲}

ناوگان حمل و نقل دریایی که از سوی شرکت سیتیز سرویس به کار انداخته شود، به سرنوشت «روزماری» دچار نخواهد شد.

وی همچنین فردای آن روز در پاریس به خبرنگاران گفته بود:^{۳۳}

اگر به زودی میان ایران و انگلستان توافق حاصل نشود، بعضی شرکت‌های نفت آمریکا، اقدام به خرید نفت از ایران و صدور آن به آمریکا خواهند کرد.

وی همچنین گفته بود:^{۳۴}

من ممکن است از ایران نفت خریداری کنم بدون توجه به احتمال این که دولت انگلستان یا شرکت نفت انگلیس و ایران بخواهد علیه شرکت من به دلیل معامله‌ی مواد نفتی [با] ایران، اقامه‌ی دعوا کنند.

در فروردین ماه ۱۳۳۲، سفیر کبیر ایران در واشنگتن گزارش داد که:^{۳۵}

شرکت سیتیز سرویس به اتفاق دو شرکت مستقل آمریکایی دیگر حاضر است سازمانی برای خرید نفت ایران تاسیس کند.

سرانجام با توجه به بندوبست پنهانی آمریکایی‌ها با انگلیسی‌ها، هیچ‌کدام این کارها سر نگرفت:^{۳۶}

آنچه معلوم است، این است که دو موسسه‌ای که جونز [آلتون جونز] با آن‌ها مربوط بود یعنی سیتیز سرویس و سینکلر (Sinclair) هر کدام موفق به تحصیل قراردادهای درازمدت مساعدی برای خرید نفت خاورمیانه با تخفیف عمده از بهای بین المللی کارتل گردید... یکی از این قراردادها را اعضای کارتل به شرکت سیتیز سرویس پیشنهاد و در ازای آن شرکت مزبور را متقاعد کردند که از قصد خود از رساندن نفت ایران به بازار [های] مصرف، منصرف شود.

در چند مورد دیگر نیز شرکت‌های آمریکایی برای خرید نفت به شرکت ملی نفت ایران مراجعه کردند؛ اما بر اثر مخالفت دولت آمریکا، کاری انجام نشد. حتی پاره‌ای از شرکت‌های آمریکایی به «ایدمیتسو» در توکیو مراجعه کردند و خواهان خرید غیرمستقیم نفت ایران وسیله‌ی شرکت مزبور گردیدند که آن هم به دلیل عدم موافقت دولت آمریکا، عملی نشد. فتواد روحانی می‌گوید:^{۳۷}

روز ۱۴ اردیبهشت ۱۳۳۲ رییس شرکت ایدمیتسو در توکیو به نگارنده اظهار کرد که بعضی از شرکت‌های آمریکایی به او مراجعه کرده و می‌خواهند نفت ایران را به طور غیرمستقیم از شرکت ایدمیتسو خریداری کنند.

برای شناخت بهتر سیاست مزورانه‌ی آمریکا در برابر دولت ملی و جریان تحریم خرید نفت ایران از سوی شرکت سابق نفت و دولت بریتانیا، باید گفت:^{۳۸}

جریان کار ایران نشان داد که چگونه سیاست خارجی آمریکا، گاهی از وسعت دید و مال‌اندیشی منحرف شده است تا منافع خصوصی کارتل بین‌المللی نفت را تامین کند... و اگر نخواهیم بگوییم که دولت [ایالات متحده] در تحریم و محاصره‌ی

غیرقانونی نفت ایران از سوی شرکت‌های عضو کارتل راسا دخالت نمود، دست کم باید تصدیق کنیم که در برابر این عمل غیرقانونی، چشم‌پوشی کرد.

کوتاه سخن باید گفت که با وجود تحریم نفتی ایران از سوی حکومت بریتانیا که از پشتیبانی همه‌جانبه‌ی کارتل نفت (هفت خواهران نفتی) و در حقیقت دولت ایالات متحده‌ی آمریکا بهره‌مند بود نیز ممنوع کردن تبدیلی‌های ایران در بریتانیا از پوند استرلینگ به ارزهای دیگر و تنگناهای اقتصادی تحمیل شده‌ی دیگر به دولت و مردم ایران:^{۳۹}

با اطمینان خاطر می‌توان نتیجه‌گیری کرد که سقوط دولت [دکتر] مصدق از لحاظ اقتصادی، به هیچ‌وجه اجتناب‌ناپذیر نبود. در برابر سختی‌آفرینی‌های انگلیس و آمریکا، اتحاد شوروی نیز با سرباز زدن از پرداخت بدهی‌های خود به دولت ملی، به گونه‌ی عملی در کنار آن‌ها قرار گرفت. در این میان دکتر مصدق با برنامه‌ریزی‌های درست، مصمم بود که برای هرچند سال که لازم باشد، چرخ‌های اقتصادی کشور را بدون درآمدهای نفتی به حرکت درآورد. با توجه به این مساله بود که انگلیس و آمریکا (البته در یک توافق ضمنی با اتحاد شوروی) دست به کودتا در ایران زدند. در این زمینه سخنان دکتر مصدق در دادگاه نظامی، بسیار روشن‌گر است:^{۴۰}

بعضی اشخاص دیدند که اگر به دولت مجال داده شود، تدریجا وضعیت اقتصادی ایران طوری خواهد شد که بدون عواید نفت هم کار مملکت بگذرد. هم‌چنان که قرونی مملکت بدون عواید نفت، خود را اداره می‌کرد.

بخش سوم

دولت ملی، دولت اصلاحات همه‌جانبه

یکم - رفاه اجتماعی

با وجود مبارزه‌ی بی‌امان در جبهه‌ی بیرونی و بحران‌سازی از سوی جبهه توده- نفتی در درون کشور، دولت ملی دارای کارنامه‌ی درخشانی در زمینه‌ی اصلاحات اجتماعی، اقتصادی، مالی و... می‌باشد.

با تصویب لایحه‌ی اختیارات فوق‌العاده در روز بیست و دوم مردادماه ۱۳۳۱ دکتر مصدق به عنوان نخستین گام لایحه‌ای را تصویب کرد که بر پایه‌ی آن، عوارض مالکانه در روستاها و بیگاری رعایا لغو گردید.^{۴۱}

پس از آن، لایحه‌ای به تصویب رسید که بر پایه‌ی آن وزارت دارایی اجازه یافت زمین‌های دولتی در تهران را به مصرف امور «عالم‌المنفعه» برساند و یا به قطعات کوچک تقسیم و به فروش برسد. در نتیجه مردم کم درآمد قادر می‌شدند که قطعه‌های کوچک را برای خانه‌سازی بخرند.^{۴۲} سپس این قانون به دیگر شهرهای کشور نیز تعمیم داده شد.^{۴۳}

در مهرماه همان سال، دکتر مصدق لایحه‌ای را تصویب کرد که بر پایه‌ی آن مالکان زمین‌های کشاورزی موظف شدند که ۲۰ درصد از سهم مالکانه را به دولت بدهند. نیمی از آن به کشاورزان داده می‌شد و نیم دیگر، صرف عمران روستاها شامل تامین آب آشامیدنی، دفع آفات، آموزش، یاری به روستایان از کار افتاده، اعطای قرض‌الحسنه، احداث و تعمیر مسجدها، گرمابه‌های عمومی، خانه‌های ارزان‌بها، مدرسه، کارخانه‌ی برق، یاری به صنایع محلی می‌گردید.

برای انجام این کارها، در هر یک از روستاها، هیاتی به نام شورای ده مرکب از پنج عضو اصلی تشکیل شد. اعضای شورای پنج‌نفره عبارت بودند از یک نفر نماینده‌ی مالک یا مالک‌ها، کدخدای ده که بر پایه‌ی قانون انتخاب شده باشد و سه نفر از معتمدان روستا به انتخاب کشاورزان.^{۴۴}

در سوم آذرماه ۱۳۳۱، دکتر مصدق بر پایه‌ی لایحه‌ی اختیارات، برای تامین هزینه‌های کمک به نیازمندان و بیکاران، عوارض بر بنزین را تصویب کرد.^{۴۵}

در دی‌ماه همان سال، به موجب لایحه‌ای قانونی ده درصد از کرایه‌ی کل مستغلاتی که میزان اجاره‌ی بهای آن‌ها در ماه بیش از ۳ هزار ریال نباشد به سود مستاجرها کاسته شد. هم‌زمان مالیات مستغلات مزبور، ده درصد افزایش داده شد و این درآمد در اختیار بانک ساختمانی قرار گرفت تا برای ساخت خانه‌های ارزان‌بها بر روی زمین‌های دولتی، به کار گرفته شود. این خانه‌ها با شرایط مناسب و قسط‌های درازمدت در اختیار نیازمندان قرار داده می‌شد.^{۴۷}

یک هفته پس از آن، اساسنامه‌ی بانک ساختمانی به تصویب هیات وزیران رسید.^{۴۸} در همین راستا، بعدها دو طرح ساختمانی در نارمک و نازی‌آباد به پایان رفت.

از گام‌های برجسته دولت ملی، تصویب قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران در اول بهمن‌ماه ۱۳۳۱ از سوی دکتر مصدق بود.^{۴۹} این قانون دارای ۶۹ ماده بود. برپایه‌ی این قانون، همه‌ی کارخانه‌ها و بنگاه‌های مشمول قانون کار، موظف شدند که کارگران خود را نزد سازمان بیمه‌های اجتماعی کارگران، بیمه کنند. برپایه‌ی این لایحه قانونی، کارگران و خانواده‌های بلافصل آنان در موارد زیر بیمه می‌شدند: حوادث، بیماری و از کارافتادگی ناشی از کار، ازدواج، حاملگی و وضع‌حمل. تعیین عایله‌مندی و بازنشستگی، کفن و دفن و یاری به بازماندگان کارگر درگذشته و همچنین بی‌کاری. کارگران می‌بایست پیش از استخدام، معاینه پزشکی شوند. سازمان بیمه‌های اجتماعی نیز موظف شده بود که این کارگران را هر دو سال یک بار معاینه پزشکی کرده و بیماران را درمان نماید.

در شورای یازده نفره بیمه‌های اجتماعی، افزون بر نمایندگان دولت، دو نماینده از سوی اتحادیه‌ی کارفرمایان و دو نماینده‌ی اتحادیه‌ی کارگران نیز شرکت داشتند.

درآمد سازمان بیمه‌های اجتماعی از پرداختی‌های کارگران و کارفرمایان تامین می‌شد. برپایه‌ی قانون ۴ درصد از دستمزد کارگران کسر می‌شد و برابر با ۸ درصد مبلغ مزبور را کارفرما پرداخت می‌کرد.

هم‌چنین در هشتم آبان‌ماه ۱۳۳۱، لایحه‌ی قانونی بیمه خسارت شخص ثالث ناشی از وسایط نقلیه‌ی موتوری برپایه‌ی قانون اختیارات به امضای نخست‌وزیر رسید.^{۵۰}

دوم - توسعه‌ی اقتصادی

اقتصاد کشور بر اثر پنج سال اشغال نظامی از سوی نیروهای اشغال‌گر در دوران جنگ دوم جهانی، بهره‌کشی کامل از راه‌ها، بندرها، راه‌آهن و دیگر وسایل ترابری کشور و نیز بهره‌کشی بدون مرز از کارخانه‌های کشور و به ویژه کارخانه‌های نظامی، فرستادن گندم و جوی کشور به اتحاد شوروی و در نتیجه ایجاد قحطی در کشور، ورود بیماری تیفوس وسیله‌ی اسیران آزادشده‌ی لهستانی از اردوگاه‌های کار اجباری اتحاد شوروی، ایجاد تورم بسیار بالا در اثر هزینه‌های ریالی زیاد نیروهای اشغال‌گر و... به سختی صدمه خورده بود. دولت دکتر مصدق، وارث این وضع بسیار بد اقتصادی و اجتماعی بود و افزون بر آن، بریده شدن درآمد اندک نفت، می‌توانست به فروپاشی اقتصادی کشور انجامد؛ در حالی دولت ملی با وجود همه‌ی تنگناها، کارنامه‌ی خوبی به جای گذارد.

روز ۲۸ مهرماه ۱۳۳۱، دولت دکتر مصدق لایحه‌ی قانونی پنج‌ساله‌ی راه‌سازی را تصویب کرد. برپایه‌ی این لایحه، برنامه‌ای برای نگهداری و تکمیل و اسفالت جاده‌های موجود کشور و ساخت جاده‌های تازه تنظیم گردید.^{۵۱}

از گام‌های ارزنده‌ی دولت ملی، تصویب اساسنامه‌ی شرکت ملی نفت ایران بود. این اساسنامه در پنجم آذرماه ۱۳۳۱ به تصویب رسید، در اساسنامه‌ی شرکت ملی نفت ایران مقرر شده بود که اداره‌ی شرکت به عهده‌ی هیات‌مدیره‌ای است که از جانب شورای عالی نفت برگزیده می‌شود. در این شورا، دو تن از وزیران، رییس بانک ملی و چهار تن از نمایندگان مجلس شورای ملی عضویت داشتند. در این اساسنامه، بر ایرانی بودن مدیرعامل تأکید شده بود؛ اما اجازه داده شده بود که در مورد ۴ عضو دیگر هیات‌مدیره در صورت لزوم و با موافقت مجلس شورای ملی، از میان شهروندان بیگانه برگزیده شوند.^{۵۲}

روز پنجم آذرماه، دولت ملی برای سروسامان دادن به اوضاع صنایع کشور، «هیات نظارت صنعتی» را به ریاست وزیر اقتصاد ملی تشکیل داد. هدف هیات نظارت صنعتی، حسن اداره، توسعه و حمایت از صنایع کشور بود. اعضای هیات افزون بر وزیر اقتصاد ملی یا قائم‌مقام او که ریاست آن را به عهده داشت، عبارت بودند از: نماینده‌ی وزارت کار، سازمان برنامه، بانک ملی و یک تن آگاه در امور صنعت. همین هیات در سطح استان‌ها و شهرستان‌ها نیز تشکیل گردید. وظیفه‌ی هیات‌های مزبور عبارت بودند از نظارت در اوضاع فنی، مالی و اداره و بهره‌برداری از کارخانه‌ها و کارگاه‌ها و حمایت و راهنمایی آن‌ها در زمینه‌های بالا. اعطای کمک‌های فنی و اقتصادی و یا اعطای وام از سوی دولت به کارخانه‌ها و کارگاه‌ها، بسته به تایید هیات نظارت صنعتی بود. کاهش میزان تولید، تعطیل کارخانه یا کارگاه، بسته به اجازه‌ی هیات نظارت صنعتی بود. در غیر این صورت «هیات» می‌توانست خود اداره‌ی کارخانه یا کارگاه را به دست گیرد.

از سوی دیگر، هیات نظارت مکلف شده بود که اصول حسابداری صنعتی و طرز تهیهی ترازنامه‌ی صنعتی و محاسبه‌ی بهای تمام شده‌ی کالا را برپایه‌ی اصول فنی متداول، به کارخانه‌ها و کارگاه‌های تحت نظارت آموزش دهد.^{۵۳}

یک ماه پس از آن، دکتر مصدق لایحه‌ی قانونی کشف و بهره‌برداری معاون و برقراری روش واحد در استفاده از ذخایر معدنی را تصویب کرد. برپایه‌ی این لایحه‌ی قانونی، قرار شد که شورای عالی معادن به منظور تعیین خطمشی و نظارت بر اجرای مفاد قانون معادن تشکیل شود. در این قانون به مواد رادیواکتیو به گونه‌ی مشخص پرداخته شده بود.^{۵۴}

روز ۳۰ دی ماه ۱۳۳۱، دکتر مصدق در راستای برنامه‌ی «اقتصاد بدون درآمدهای نفت» قانون تشویق صادرات را به تصویب رساند. برپایه‌ی این قانون، صادرکنندگان از پرداخت عوارض داخلی و شرکت‌های صادراتی از تاریخ آغاز بهره‌برداری تا مدت دو سال از پرداخت مالیات بر درآمد معاف شدند. همچنین برپایه‌ی این قانون، کالاهای عبوری (ترانزیت) نیز از هرگونه عوارض معاف گردیدند. افزون بر آن ماشین‌آلات لازم برای آن که کالاهای صادراتی را به صورت نیم‌ساخته و ساخته [شده] در آورد «از پرداخت هر نوع حقوق و عوارض ورودی معاف» گردیدند.

از سوی دیگر، واردات «هر قسم لوازم بسته‌بندی... که برای تهیه‌ی قوطی و چلیک و تهیه کالاهای صادراتی وارد گردد، به عنوان ورود موقت و به شرط تحقق صدور آن‌چه وارد شده، از پرداخت حقوق و عوارض گمرکی معاف گردیده بود.»^{۵۵}

پس از چندی در راستای تشویق و روان‌ترسازی صادرات، بانک توسعه‌ی صادرات تشکیل شد تا ضمن حمایت‌های مالی از صادرکنندگان، کالاهای صادراتی را با استاندارد (اندازه‌مندی)های جهانی همسان سازد و راهنمایی‌های لازم را در باره‌ی بازارهای فروش در اختیار صادرکنندگان قرار دهد.^{۵۶}

همچنین در راستای بهبود کشاورزی، لایحه قانونی اساسنامه‌ی بانک کشاورزی ایران به تصویب رسید. در این لایحه‌ی قانونی آمده بود:^{۵۷}

منظور از تاسیس بانک، کمک به توسعه و پیش‌رفت کشاورزی و آبیاری در کشور است. بانک برای انجام منظور فوق می‌تواند به عملیات ذیل مبادرت کند.

الف- دادن وام‌های کشاورزی

ب- کمک‌های اعتباری به شرکت‌ها و بنگاه‌های کشاورزی در حال تاسیس.

ج- کمک به تاسیس و پیش‌رفت شرکت‌های صندوق روستایی برای کمک به کشاورزان جزء و برزگران و تامین وسایل کار و کمک‌های جنسی و نقدی به آن‌ها به وسیله‌ی دادن وام و همچنین کمک‌های بلاعوض به صورت استرداد تمام یا قسمتی از بهره‌ی دریافت‌شده...

سوم - اصلاح سامان مالیاتی

برای رویارویی با بریده شدن درآمدهای نفت، دولت ملی کوشید تا با تسویه حساب مالیات‌های معوقه و بهبود قوانین موجود و تاکید بر خویش‌کاری (وظیفه) وصول مالیات در برابر مودیان، بر درآمدهای دولت بیفزاید.

برای رسیدن به این مهم، اول شهریورماه ۱۳۳۱ دکتر مصدق لایحه‌ی قانونی تازه‌ای را برای تسویه حساب‌های معوقه‌ی مالیاتی تصویب کرد.^{۵۸} به دنبال آن، لایحه‌ای نیز برای مجازات ماموران وصول که از تسلیم مفاصحا حساب به مودیان مالیاتی استنکاف می‌کردند، به تصویب رسید.^{۵۹}

برپایه‌ی قانون تازه‌ی مالیات اراضی که در دوم آذرماه به تصویب رسید، سالانه مالیاتی برابر ۳ درصد ارزش اراضی بزرگ داخل شهرها، تعلق گرفت.

در بهمن‌ماه ۱۳۳۱، قانون مالیات‌ها مصوب سال ۱۳۲۸ مورد اصلاح قرار گرفت. در نتیجه پاره‌ای از مواد قانون مالیات‌های پیشین حذف و موادی مورد حک و اصلاح قرار گرفت و مواد تازه‌ای به آن افزوده شد.^{۶۰}

چهارم - آموزش و پرورش

از مواد نه‌گانه‌ی برنامه‌ی دولت دکتر مصدق، بهبود نظام آموزشی کشور بود. از این‌رو، وی در ۱۸ دی‌ماه ۱۳۳۱ به منظور نظارت بر کلیه‌ی شئون آموزش کشور و اصلاح و توسعه‌ی فرهنگ و عمومی کردن آموزش و پرورش قانون تشکیل شورای عالی فرهنگ را تصویب کرد. اعضای شورای عالی فرهنگ عبارت بودند از :

وزیر فرهنگ، رییس دانشگاه تهران، مدیرکل فنی وزارت فرهنگ، رییس کمیسیون فرهنگ مجلس شورای ملی، یک تن از مجتهدان جامع‌الشرایط به انتخاب یکی از مراجع تقلید مقیم ایران، سه تن از استادان دانشگاه به انتخاب شورای دانشگاه، یک پزشک به انتخاب [جامعه‌ی] پزشکان تهران، یک مهندس به انتخاب [جامعه‌ی] مهندسان تهران، یک قاضی به انتخاب هیات عمومی دیوان عالی کشور، سه تن از دبیران پای‌تخت به انتخاب نمایندگان دبیران و نیز دو تن از آموزگاران پای‌تخت به انتخاب آموزگاران.

در این لایحه‌ی قانونی چگونگی انتخاب نمایندگان دبیران و آموزگاران نیز گفته شده بود. شورای عالی فرهنگ نیز مانند هیات‌مدیره‌ی شرکت ملی نفت، می‌توانست شهروندان بیگانه را به عضویت بپذیرد. در این لایحه آمده بود که به پیشنهاد وزیر فرهنگ و پذیرش شورا، ممکن است برخی از خاورشناسان و استادان تعلیم و تربیت بیگانه، به عنوان عضو افتخاری شورای عالی

فرهنگ ایران، برگزیده شوند. تصویب اساسنامه‌ی مدرسه‌ها و برنامه‌های تحصیلی مدرسه‌های دولتی و خصوصی و ملی، تصویب اجازه‌ی تاسیس کودکستان و آموزشگاه تا سطح تحصیلات متوسطه و تایید علمی بیگانگان که برای خدمت در وزارت فرهنگ یا امور آموزشی در نظر گرفته می‌شدند. ارزش‌یابی مدرک‌های تحصیلی دانش‌جویان خارج از کشور، از وظایف این شورا بود.^{۶۱}

استقلال دانشگاه‌ها از مداخلات دولت، از مسایل مهم آموزش عالی کشور بود و هست. در قانون تاسیس دانشگاه تهران مصوب ۱۳۱۳ سخن از استقلال مالی دانشگاه است؛ اما این امر هیچ‌گاه اجرا نشده بود. دکتر مصدق روز ۲۱ دی ۱۳۳۱ لایحه‌ی قانونی استقلال مالی دانشگاه را تصویب کرد.^{۶۲}

پنجم - اصلاح دادگستری

دکتر مصدق از ابزار مهم استقرار مردم‌سالاری راستین را یک دستگاه دادگستری کارآمد و پاک می‌دانست. از این رو برای وی اصلاح دادگستری و ریشه‌کنی فساد در آن دستگاه، از اولویت ویژه‌ای برخوردار بود.

دکتر محمد مصدق با بهره‌گیری از اختیارات داده شده از سوی مجلس شورای ملی، روز ۲۹ شهریور ۱۳۳۱ قانون استخدام قضات را مورد تجدیدنظر قرار داد. بر پایه‌ی ماده‌ی یک قانون تازه، به پیشنهاد وزیر دادگستری و تصویب نخست‌وزیر کمیسیونی مرکب از پنج تن از قاضی‌های عالی‌رتبه، برای رسیدگی به صلاحیت همه‌ی کارمندان قضایی تشکیل شد. بر پایه‌ی ماده‌ی ۱۵ این قانون، پذیرش مستخدمین قضایی واجد شرایط برعهده‌ی کمیسیون فوق‌العاده‌ای مرکب از رییس و دادستان دیوان عالی کشور و دو تن از رییسان شعب آن بود. از آن‌جا که بر پایه‌ی قانون تازه، انتقال قضات، به خواست وزیر بستگی نداشت، قاضی‌ها می‌توانستند بدون ترس آرای خود را اعلام کنند.^{۶۳}

هم‌چنین دکتر مصدق محاکم اختصاصی را منحل کرد.^{۶۴} در نتیجه، دیوان کیفر و دادرهای آن منحل شدند و رسیدگی به آن‌چه در صلاحیت آن‌ها بود، در صلاحیت دادرها و دادگاه‌های عمومی دادگستری قرار گرفت. هم‌چنین اداره‌ی نظارت دادگستری منحل شد و به جای آن دادرهای انتظامی قضات تشکیل گردید که بازرسی و تعقیب تخلف‌ها و تقصیرهای قضات را برعهده داشت.^{۶۵} کوتاهی پس از آن در مهرماه ۱۳۳۱، لایحه‌ی اصلاح سازمان قضایی کشور را تصویب کرد.^{۶۷}

روز ۲۵ آبان ۱۳۳۱، دکتر مصدق وزیر دادگستری را مکلف کرد که ظرف پنج روز از تاریخ تصویب لایحه‌ی مزبور، همه‌ی شعبه‌های قضایی دیوان عالی کشور و دادرهای آن و هم‌چنین اداره انتظامی را منحل کند.^{۶۸}

همچنین دکتر مصدق در روز ۱۲ دی ماه ۱۳۳۱، برپایه‌ی تصویب یک لایحه‌ی قانونی، پاره‌ای از مواد آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ را مورد حک و اصلاح قرارداد.^{۶۹}

روز ۱۷ فروردین ماه ۱۳۳۲ دکتر مصدق لایحه‌ی قانونی دادرسی و کیفر ارتش را تصویب کرد. این قانون دارای ۶ فصل و ۷۸ ماده و ۲ تبصره بود. در این قانون آمده بود:^{۷۰}

دادگاه‌های نظامی به موجب اصل ۸۷ متمم قانون اساسی مطابق مقررات این لایحه‌ی قانونی تاسیس می‌گردد...

ششم - بهداشت

دولت ملی در راه بهداشت همگان نیز گام‌های درستی برداشت. در صدر این برنامه‌ها، تلاش برای ریشه‌کنی مالاریا بود که بخش بزرگی از جمعیت فعال کشور را از کار انداخته بود.

روز ۲۸ مهر ۱۳۳۱ دکتر مصدق موسسه‌ی رازی را که مرکز واکسن‌سازی کشور به شمار می‌رفت، تجدید سازمان کرد.^{۷۱} در بهمن ماه همان سال، لایحه‌ی قانونی تاسیس بنگاه کل دارویی کشور به تصویب رسید. در این لایحه‌ی قانونی آمده بود:^{۷۲}

به منظور تهیه‌ی دارو و لوازم جراحی و اثاثیه‌ی فنی طبی مورد نیاز وزارت‌خانه‌ها و موسسات دولتی و شرکت‌ها و بنگاه‌ها و بانک‌هایی که با سرمایه‌ی دولت اداره می‌شوند، به وزارت بهداشت اجازه داده می‌شود بنگاهی به نام بنگاه کل دارویی ایران تاسیس نماید.

همچنین در راستای آسان‌سازی استخدام پرستاران دانش‌آموخته‌ی آموزشگاه‌های بهداشتی، قانونی در ۱۱ دی ۱۳۳۱ به تصویب رسید.^{۷۳} یک هفته پس از آن دکتر مصدق قانونی درباره‌ی مقررات آموزشی و استخدامی بهداران تصویب کرد.

هفتم - پایه‌گذاری و ریشه‌دار کردن نهادهای مردمی

در راستای واگذاری کار مردم به مردم، دکتر مصدق در ۱۱ آبان ماه ۱۳۳۱ لایحه‌ی قانون شهرداری‌ها را تصویب کرد. بر پایه‌ی این قانون:^{۷۴}

در هر شهر یا قصبه که جمعیت آن حداقل به پنج هزار نفر بالغ باشد، آن‌جا شهرداری تاسیس می‌گردد و انجمن شهر یا قصبه مطابق مقررات این لایحه‌ی قانونی تشکیل می‌گردد.

برپایه‌ی این قانون که ۹۰ ماده را دربرمی‌گرفت، اداره‌ی امور شهرها و روستاها به عهده‌ی انجمن مردمی واگذار شد. این انجمن‌ها برپایه‌ی میزان جمعیت میان ۹ تا ۳۰ عضو را دربرمی‌گرفت و رای‌گیری در آن به‌گونه‌ی مخفی انجام می‌شد. در این

قانون، زنان نیز از حق رای برخوردار بودند و رای دهندگان می‌بایست به اندازه‌ی نوشتن، سواد فارسی داشته باشند. برپایه‌ی این قانون، شهردار از سوی انجمن شهر انتخاب می‌شد و در نتیجه انجمن شهر حق استیضاح و برکناری شهردار را داشت. روز ۳ دی‌ماه ۱۳۳۱ دکتر مصدق لایحه‌ی قانونی تشکیل اتاق‌های بازرگانی را تصویب کرد. بدین‌سان گام دیگری در راستای واگذاری کار مردم به مردم برداشته شد. در این قانون آمده بود:^{۷۵}

به منظور اصلاح و بهبود امور اقتصادی و تمرکز هدایت افکار بازرگانان و ایجاد و بسط روابط بازرگانی کشور ایران با سایر کشورها و همچنین ایجاد همکاری نزدیک بین جامعه‌ی کشور با وزارت اقتصاد ملی... در تهران و شهرستان‌هایی که به تشخیص وزارت اقتصاد ملی اهمیت بازرگانی داشته باشد، اتاق‌های بازرگانی تاسیس می‌شود.

از دیگر لایحه‌های قانونی دولت در این راستا:^{۷۶}

لایحه‌ی استقلال کانون وکلای دادگستری که با تشکیل کانون وکلا به عنوان یک نهاد مستقل و دارای شخصیت حقوقی میسر گردید.

هیات‌مدیره‌ی کانون وکلای دادگستری دارای ۱۲ عضو اصلی بود که از سوی اعضای کانون برگزیده می‌شدند. در مرکز استان‌ها نیز کانون‌هایی با پنج عضو تشکیل گردید. اعطای پروانه‌ی وکالت به وکلای تازه، نظارت بر اعمال وکلا و رسیدگی به تخلفات و تعقیب انتظامی وکلا، از وظایف کانون وکلای دادگستری بود. در این قانون پیش‌بینی شده بود که هیچ وکیلی را نمی‌توان از شغل وکالت معلق یا ممنوع کرد؛ مگر به موجب حکم دادگاه انتظامی وکلا.

هشتم اصلاحات در زمینه‌ی مطبوعات

روز ۱۹ دی‌ماه ۱۳۳۱، مجلس شورای ملی با لغو همه‌ی قوانین موجود درباره‌ی مطبوعات به استثنای قانون ۱۸ دی‌ماه ۱۲۸۶، گام بزرگی در راه آزادی مطبوعات برداشت. این قانون روز ۲۸ دی‌ماه ۱۳۳۱ به تصویب مجلس سنا نیز رسید. روز ۱۵ بهمن‌ماه ۱۳۳۱ دکتر مصدق لایحه‌ی قانونی درباره‌ی مطبوعات را تصویب کرد. این لایحه دارای ۴۶ ماده بود و بر پایه‌ی آن برای تاسیس روزنامه یا مجله کسب اجازه از سوی وزارت کشور لازم بود.^{۷۷}

هیاتی مرکب از مدیرکل وزارت کشور، رییس اداره‌ی نگارش وزارت فرهنگ و دادستان تهران، مأمور رسیدگی به امر صدور پروانه‌ی انتشار روزنامه‌ها و مجلات شدند.

برپایه‌ی اصل هفتاد و نهم متمم قانون اساسی، رسیدگی به جرایم مطبوعاتی در دادگاه‌ها و با حضور هیات منصفه مرکب از گروه‌های هفت‌گانه‌ی علما و دانشمندان و نویسندگان، وکلای دادگستری و سردفتران، بازرگانان و دبیران و آموزگاران، مالکان و کشاورزان، کارگران و اصناف و پیشه‌وران، به عمل می‌آمد.

دکتر مصدق در دوازدهم اردی‌بهشت‌ماه ۱۳۳۰ از شهربانی خواست که به تهمت‌ها و افتراهای وارده به او در مطبوعات، ترتیب اثر ندهد و بدین‌سان، پای‌بندی خود را به آزادی مطبوعات نشان داد.

پی‌نوشت‌های گفتار شانزدهم

- ۱- اطلاعات (روزنامه) - ۹ تیرماه ۱۳۳۱ / نفت، قدرت و اصول - ر ۴۲۵
- ۲- مصدق، نفت، ناسیونالیسم ایرانی - رر ۳۶۱-۳۶۲
- ۳- از سخنان دکتر مصدق به گروهی از نمایندگان - ۲۳ فروردین‌ماه ۱۳۳۱
- ۴- Horace Greely Hjlmar Schacht (۱۸۷۷-۱۹۷۰) / ۱۹۳۳-۱۹۳۹ رییس بانک مرکزی آلمان (Reich Bank) / ۱۹۳۴-۱۹۳۷ با حفظ سمت، وزیر اقتصاد آلمان - وی در سال ۱۹۵۳ بانک خصوصی Cchacht & Co را در شهر دوسلدورف آلمان بنیان‌گذاری کرد.
- ۵- مجادلات نفت - ج ۲ - ر ۴۴ / نفت، قدرت و اصول - ر ۴۲۶
- ۶- صندوق بین‌المللی پول - آمارهای مالی بین‌المللی - ج ۸ - شماره‌ی ۷ - ژوئیه ۱۹۵۴ - رر ۱۱۱-۱۱۰
- ۷- اطلاعات (روزنامه) پنجم اردی‌بهشت ۱۳۳۲ - ر ۹
- ۸- همان - ر آخر
- ۹- نفت، قدرت و اصول - ر ۴۲۷
- ۱۰- بیلان آماری تحولات اقتصادی و اجتماعی ایران - رر ۱۳۳-۱۳۲ / از انشعاب تا کودتا - ج ۳ - ر ۴۳۲
- ۱۱- همان - ر ۱۳۸ / همان - ر ۴۳۲
- ۱۳- همان - ر ۲۳۲ / همان - ر ۴۲۹
- ۱۴ و ۱۵- همان / همان
- ۱۶- نفت، قدرت و اصول - ر ۴۲۷
- ۱۷- صندوق بین‌المللی پول - آمارهای بین‌المللی - ج ۸ - شماره‌ی ۷ - ژوئیه ۱۹۵۴ - رر ۱۱۰-۱۱۱
- ۱۸- نفت، قدرت و اصول - ر ۴۲۵
- ۱۹- بانک ملی ایران - گزارش سالانه‌ی ۱۳۳۴-۱۳۳۰ / نفت، مصدق و ناسیونالیسم ایرانی - ر ۳۴۳
- ۲۰ و ۲۱- بیلان آماری تحولات اقتصادی و اجتماعی ایران - ر ۱۸۳-۱۸۲ / از انشعاب تا کودتا - ج ۳ - ر ۴۳۳
- ۲۲- تاریخ ملی شدن صنعت نفت ایران - ر ۳۹۰
- ۲۳- نفت، قدرت و اصول - ر ۳۶۱
- ۲۴- همان - ر ۴۱۹
- ۲۵- تاریخ ملی شدن صنعت نفت ایران - ر ۳۹۷

۲۶- همان - ر ۳۹۸

۲۷- همان - ر ۴۰۰

۲۸- همان - رر ۴۰۲-۴۰۳

۲۹- با بهره‌گیری از بن‌نشست‌ها (منابع) گوناگون

30- The international petroleum cartel.../ P.83

۳۱- تاریخ ملی شدن صنعت نفت ایران - ر ۴۰۶

۳۲ و ۳۳- همان

۳۴- نیویورک تایمز (روزنامه) - ۱۹ سپتامبر ۱۹۵۲

۳۵- تاریخ ملی شدن صنعت نفت ایران - ر ۴۱۱

36- The international petroleum cartel in Iran... , P.117 / ملی ۴۰۹ - ر ۴۰۹

۳۹- مصدق، نفت، ناسیونالیسم ایرانی - ر ۳۶۱

۴۰- مصدق در محکمه‌ی نظامی - ج ۲ - ر ۷۷۷

۴۱- مجموعه‌ی قوانین سال ۱۳۳۱ - روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی - لایحه‌ی قانونی الغا عوارض در دهات - رر ۲۴-۲۵

۴۲- همان - لایحه‌ی قانونی اراضی موات اطراف شهر تهران - ر ۲۵

۴۳- همان - لایحه‌ی قانونی اراضی بایر و موات اطراف شهری غیر از تهران - ر ۲۶

۴۴- همان - لایحه‌ی ازدیاد سهم کشاورزان و سازمان عمران کشاورزی - رر ۶۰-۶۷

۴۵- همان - لایحه‌ی قانونی اجاره‌ی بها و احداث خانه‌های ارزان‌قیمت - ر ۲۰۰

۴۸- همان - لایحه‌ی قانونی تاسیس بانک ساختمانی و اساسنامه‌ی آن - رر ۲۰۴-۲۰۸

۴۹- همان - لایحه‌ی قانونی بیمه‌های اجتماعی کارگران - رر ۳۵-۵۶

۵۰- همان - رر ۸۹-۹۰

۵۱- همان - لایحه‌ی قانونی برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی راه‌سازی - رر ۸۰-۸۱

۵۲- همان - اساسنامه‌ی شرکت ملی نفت ایران - رر ۱۱۸-۱۲۹

۵۳- همان - لایحه‌ی قانونی هیات نظارت صنعتی - رر ۱۳۰-۱۳۲

۵۴- همان - لایحه‌ی قانونی معادن - رر ۱۴۹-۱۵۵

۵۵- همان - لایحه‌ی قانونی تشویق صادرات و... - رر ۱۴۲-۱۴۹

۵۶- همان - لایحه‌ی قانونی اساسنامه‌ی بانک توسعه صادرات - رر ۲۴۲-۲۴۸

۵۷- مجموعه‌ی قوانین و مقررات سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۳۱ - روزنامه‌ی رسمی جمهوری اسلامی ایران - رر ۲/۹۹۶-۲/۹۹۸

۵۸- روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی - لایحه قانونی راجع به تسویه حساب مالیات‌های معوقه - رر ۳۴-۳۵

- ۵۹- همان - لایحه‌ی قانونی درباره مجازات ماموران وصول که از تسلیم مفاصاحساب به مودیان مالیاتی استنکاف نمایند - در ۳۳-۳۲
- ۶۰- همان - لایحه‌ی قانونی اصلاحیه مالیات بر درآمد مصوب ۲۹ تیر ۱۳۲۸ - در ۳۲۱-۲۱۷
- ۶۱- همان - لایحه‌ی قانونی شورای عالی فرهنگ - در ۱۹۶-۱۹۲
- ۶۲- همان - لایحه‌ی قانونی امور مالی دانشگاه - در ۲۰۲-۲۰۱
- ۶۳- همان - لایحه‌ی قانونی اصلاح قانون استخدامی قضات - در ۳۲-۲۸
- ۶۴- همان - لایحه‌ی قانونی حذف محاکم اختصاصی - در ۲۸-۲۷
- ۶۵- همان - لایحه‌ی قانونی سازمان قضایی کشور - در ۷۸-۷۳
- ۶۶- همان - لایحه‌ی قانونی سازمان دادرسی انتظامی قضات - در ۷۳-۷۱
- ۶۷- همان - لایحه‌ی قانونی اصلاح اصول تشکیلات اداری وزارت دادگستری - در ۹۲-۹۰
- ۶۸- همان - لایحه‌ی قانونی انحلال دیوان کشور و دادگاه انتظامی - در ۱۱۲-۱۱۱
- ۶۹- همان - لایحه قانونی اصلاح قانون آیین دادرسی مدنی - در ۱۹۲-۱۶۹
- ۷۰- مجموعه قوانین و مقررات سال‌های ۱۳۳۱-۱۳۳۵ - روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۹ - در ۲/۹۸۴-۲/۹۸۱
- ۷۱- مجموعه‌ی قوانین سال ۱۳۳۱ - روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی - لایحه‌ی قانونی سازمان موسسه سرم و واکسن‌سازی رازی - در ۸۰-۷۸
- ۷۲- همان - لایحه قانونی تاسیس بنگاه کل دارویی ایران - در ۲۱۷-۲۱۶
- ۷۳- همان - لایحه قانونی استخدام پرستاران فارغ‌التحصیل آموزشگاه‌های پرستاری - در ۱۶۴
- ۷۴- همان - لایحه‌ی قانونی شهرداری‌ها - در ۱۱۱-۹۳
- ۷۵- همان - لایحه‌ی قانونی اتاق‌های بازرگانی - در ۱۶۱-۱۵۶
- ۷۶- همان - لایحه‌ی قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری - در ۲۴۲-۲۳۹
- ی قانونی مطبوعات - در ۲۳۴-۷۷۲۲۴- همان - لایحه